

کاربرد آزمون‌های روانی  
در تعلیم و تربیت و مشاوره مدرسه

# فهرست

پیشگفتار.....	۹
فصل اول: مروری بر کلیات و مفاهیم آزمون‌های روانی.....	۱۱
فصل دوم: معرفی آزمون‌های پر کاربرد در تعلیم و تربیت و مشاوره مدرسه.....	۱۷
احساس تعلق به مدرسه.....	۱۷
احساس تنهایی.....	۲۰
اختلال سلوک.....	۲۳
اختلال نقص توجه.....	۲۶
ادراک از محیط کلاس درس.....	۳۴
ادراک دانش‌آموزان از محیط یادگیری سازنده گرایی اجتماعی.....	۳۷
ارتباط با مدرسه.....	۴۱
ارزیابی ابعاد هویت.....	۴۴
استفاده آسیب‌زا از اینترنت.....	۴۸
استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه.....	۵۱
اضطراب اجتماعی نوجوانان.....	۵۵
اضطراب رایانه.....	۶۰
اضطراب ریاضی.....	۶۳
اضطراب مدرسه.....	۶۶
اضطراب هستی ( وجودی).....	۶۹
اعتیاد به تلفن همراه.....	۷۲
افسردگی.....	۷۵
امید به تحصیل.....	۷۸
اهمالکاری تحصیلی.....	۸۱
بازطراحی شغلی معلمان.....	۸۵
باور کارآمدی جمعی معلم.....	۸۸
باورهای کارآمدی.....	۹۱
بهزیستی شخصی.....	۹۶
پرخاشگری.....	۹۹

۱۰۳.....	پنج عاملی بزرگ شخصیت کودکان.....
۱۰۸.....	پیوند با مدرسه.....
۱۱۲.....	تاب‌آوری تحصیلی.....
۱۱۷.....	تفکر انتقادی.....
۱۲۰.....	تنظیم رفتاری هیجان.....
۱۲۳.....	جو و هویت مدرسه.....
۱۲۷.....	حساسیت اضطرابی.....
۱۳۰.....	خود انتقادی- خود اعتمادی.....
۱۳۳.....	خودپنداره تحصیلی.....
۱۳۶.....	خود راهبری در یادگیری.....
۱۴۰.....	خودکارآمدی تحصیلی.....
۱۴۳.....	خودکارآمدی معلمان در تدریس علوم.....
۱۴۷.....	خوش‌بینی تحصیلی.....
۱۵۰.....	خوش‌بینی تحصیلی معلم.....
۱۵۳.....	دانش و نگرش دانش‌آموزان به ایدز.....
۱۵۷.....	درگیری (درآمیزی) دانش‌آموز در مدرسه.....
۱۶۰.....	رابطه معلم شاگرد.....
۱۶۵.....	رشد اجتماعی.....
۱۷۱.....	رفتار غذا خوردن.....
۱۷۵.....	رفتار کودکان پیش‌دستانی در بازی.....
۱۷۸.....	رفتارهای مقابله‌ای کودکان.....
۱۸۲.....	روحیه پژوهشی.....
۱۸۵.....	رویکردهای مطالعه.....
۱۸۹.....	ساختار کلاس درس.....
۱۹۲.....	سبک تدریس.....
۱۹۵.....	سبک زندگی سالم.....
۲۰۰.....	سخت رویی مرتبط با مدرسه.....
۲۰۳.....	سرزندگی تحصیلی.....
۲۰۵.....	سرمایه اجتماعی.....
۲۰۸.....	سطوح تفکر تأملی.....
۲۱۱.....	سلامت سازمانی مدرسه.....
۲۱۵.....	سواد رسانه‌ای معلمان.....
۲۱۸.....	شایستگی اجتماعی درک شده.....
۲۲۱.....	صلاحیت اخلاقی دبیران.....

۲۲۵	طرح‌واره ناسازگار اولیه
۲۲۹	شادکامی مدرسه‌ای دانش‌آموزان
۲۳۳	شناور بودن - غرقگی
۲۳۶	طرد همسالان
۲۳۹	قلدری در مدرسه
۲۴۴	کمال‌گرایی
۲۴۹	کنترل روان‌شناختی وابسته مدار و پیشرفت مدار
۲۵۲	کنترل عمل
۲۵۶	گرایش مثبت و منفی به اضطراب رایانه
۲۵۹	مشارکت فعال در مدرسه
۲۶۱	مشکلات یادگیری
۲۶۴	مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا
۲۶۸	مواجهه با خشونت خانگی
۲۷۱	ناامیدی
۲۷۴	نارسایی هیجانی
۲۷۷	ناگویی هیجانی کودکان
۲۷۹	نگرش نسبت به علم
۲۸۳	نگرش نسبت به پلیس
۲۸۶	نیاز به خاتمه
۲۹۰	همدلی
۲۹۳	هوش اخلاقی
۲۹۷	هویت اجتماعی
۳۰۰	هیجان آگاهی
۳۰۳	هیجان‌های مرتبط با یادگیری
۳۰۷	هیجان‌های معلم
۳۱۰	یادگیری اجتماعی - هیجانی
۳۱۳	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۳۱۵	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۳۱۷	منابع

## پیشگفتار

انسان‌ها در قضاوت عینی افراد خیلی خوب عمل نمی‌کنند و در بیشتر روش‌های ارزیابی «که از آزمون‌ها استفاده نمی‌شود» شاهد یک قضاوت ذهنی هستیم. آزمون<sup>۱</sup> ابزار یا روشی است که در آن یک نمونه از رفتار فرد با استفاده از شیوه‌های استاندارد شده به دست می‌آید و ارزیابی و نمره‌گذاری می‌شود. همچنین، آزمون استاندارد آزمونی است که به صورت استاندارد اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر می‌شود. اکثر آزمون‌های استاندارد شده توسط متخصصان آزمون‌سازی یا شرکت‌های منتشرکننده آزمون‌ها طراحی می‌شوند. هدف استانداردسازی این است که اطمینان حاصل شود که شرایط آزمون تقریباً برای همه افرادی که در آزمون شرکت می‌کنند یکسان است. اگر این امر محقق شود، هیچ آزمودنی به دلیل تنوع در روش‌های اجرای آزمون، مزیتی نسبت به دیگری نخواهد داشت و بنابراین نتایج ارزیابی بین افراد، قابل مقایسه خواهد بود.

از جمله آزمون‌های پرکاربرد می‌توان به آزمون‌های روان‌شناختی<sup>۲</sup> اشاره نمود؛ این ابزارها در همه‌جا وجود دارند. متقاضیان کار آزمون‌های شخصیت را تکمیل می‌کنند و توانایی‌های شناختی‌شان یا مهارت‌های رهبری کردن آن‌ها ارزیابی می‌شود. متخصصان سلامت از آن‌ها برای ارزیابی زوال عقل (دمانس) و دیگر شرایط بالینی استفاده می‌کنند. ممکن است کودکان به دلیل نارساخوانی (دیسلکسیا)، مشکلات تحولی و رفتاری مورد ارزیابی قرار گیرند. پژوهشگران در روانشناسی، پزشکی، تعلیم و تربیت و سایر رشته‌ها به‌طور معمول عزت‌نفس، شخصیت، قابلیت‌های شناختی، نگرش‌ها، خلق و خوی، حالات هیجانی و مجموعه‌ای از صفات دیگر را اندازه‌گیری می‌کنند. جهت بررسی علمی و رعایت استانداردها در طراحی، اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر این آزمون‌ها یک رشته علمی به نام روان‌سنجی<sup>۳</sup> ظهور پیدا کرد که در بخش تاریخچه آزمون‌های روانی و معرفی فرانسیس گالتون به آن پرداخته شده است. با این حال، روان‌سنجی علم اندازه‌گیری روان‌شناختی است، و روان‌سنجی<sup>۴</sup> یک متخصص روان‌شناسی یا آموزشی است که در زمینه طراحی و اجرای آزمون‌ها، اندازه‌گیری و ارزیابی تخصص دارد.

جهت شناخت بیشتر از فعالیت‌هایی که در فرایند تدوین، طراحی و چگونگی نمره‌گذاری و تفسیر آزمون‌های روانی انجام می‌شود، لازم است که در ابتدا با چند اصطلاح در این حوزه آشنا شویم. اگرچه ارزیابی روان‌شناختی<sup>۵</sup> و آزمون روان‌شناختی هر دو شیوه‌های ارزشیابی برای جمع‌آوری اطلاعات مهم در مورد افراد هستند و از هر دو برای کمک به درک و پیش‌بینی رفتار استفاده می‌شوند، با این حال، این اصطلاحات اغلب به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما آن‌ها متفاوت هستند. بسیاری از صاحب‌نظران ارزیابی روان‌شناختی را مفهومی گسترده‌تر از یک آزمون روان‌شناختی می‌بینند. در ارزیابی روان‌شناختی، ما از روش‌های متعددی مانند مصاحبه‌های تاریخچه شخصی، مشاهدات رفتاری و آزمون‌های روان‌شناختی برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد یک فرد استفاده می‌کنیم. آزمون روان‌شناختی تنها یک ابزار در فرایند ارزیابی روان‌شناختی است. به عنوان مثال، یک روان‌شناس تربیتی ممکن است با مصاحبه با دانش‌آموز، مصاحبه با اعضای خانواده دانش‌آموز، مشاهده رفتار وی و اجرای یک آزمون روان‌شناختی مانند قلدری در مدرسه، ارزیابی روان‌شناختی از دانش‌آموز را انجام دهد. علاوه بر این، مفاهیم آزمون روان‌شناختی و اندازه‌گیری یا سنجش<sup>۶</sup>، اگرچه معانی آن‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند، آزمون روان‌شناختی و اندازه‌گیری مترادف نیستند. اندازه‌گیری، مانند ارزیابی، مفهومی گسترده‌تر از آزمون روان‌شناختی است.

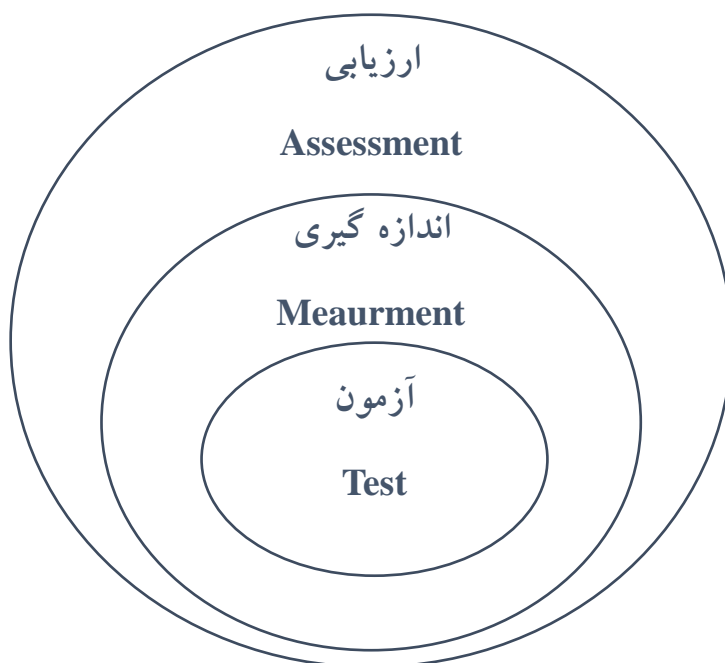
اندازه‌گیری (سنجش) فرایند ارزیابی اندازه، مقدار یا درجه یک صفت با استفاده از قوانین خاص برای تبدیل صفت به اعداد است. یک

---

1. test  
2. Psychological tests  
3. Psychometrics  
4. psychometrician  
5. psychological assessment  
6. Measurement

وسیله اندازه‌گیری، ابزار یا فنی برای ارزیابی اندازه، مقدار یا درجه یک صفت است. بنابراین زمانی که نتایج آزمونی بر اساس یک نمره اکتساب شده بیان شود، آزمون روان‌شناختی را می‌توان یک ابزار اندازه‌گیری در نظر گرفت. حتی با وجود برخی تفاوت‌ها، ممکن است افرادی را مشاهده کنید که از اصطلاحات ارزیابی روان‌شناختی، اندازه‌گیری روان‌شناختی و آزمون روان‌شناختی به جای یکدیگر استفاده می‌کنند (شکل ۱). ارزشیابی<sup>۱</sup> نیز از دیگر مفاهیم مورد استفاده در فرایند ارزیابی است. این اصطلاح، اغلب هنگام بحث در مورد ارزیابی، اجرای آزمون‌ها و مسائل مربوط به اندازه‌گیری استفاده می‌شود. ارزشیابی فعالیت است که قضاوت یا ارزیابی ارزش یا مقدار چیزی را شامل می‌شود. به‌عنوان مثال، تخصیص نمرات رسمی به دانش‌آموزان برای انعکاس عملکرد تحصیلی آن‌ها، ارزشیابی پایانی نامیده می‌شود.

دو مفهوم پرکاربرد در بحث آزمون‌های روان‌شناختی، مفاهیم پایایی<sup>۲</sup> و روایی<sup>۳</sup> هستند. پایایی، به ثبات، همسانی درونی و دقت نسبی نمرات آزمون اشاره دارد. در یک سطح نظری‌تر، پایایی به درجه‌ای اشاره دارد که در آن نمرات آزمون عاری از خطاهای اندازه‌گیری است. نمراتی که نسبتاً عاری از خطاهای اندازه‌گیری هستند، پایدار یا ثابت خواهند بود (یعنی قابل اعتماد) و بنابراین در تخمین عددی دقیق‌تر هستند. روایی، به زبان ساده به اعتبار یا دقت تفسیر نمرات آزمون اشاره دارد. اگر نمرات آزمونی به‌عنوان منعکس‌کننده هوش تفسیر شود، آیا واقعاً توانایی ذهنی را بازتاب می‌دهند؟ اگر از نمرات آزمونی برای پیش‌بینی موفقیت در یک شغل استفاده شود، آیا آن‌ها می‌توانند به‌طور دقیق پیش‌بینی کنند که چه کسی در این شغل موفق خواهد بود؟ برای این که آزمون‌ها مفید واقع شوند، باید هم قابل اعتماد (پایایی) و هم دارای اعتبار (روایی) باشند. مثالی بزنیم، شخص می‌تواند بسیار دقیق (یعنی به‌طور قابل اعتماد) قد شمارا اندازه‌گیری کند، اما در اینجا نمی‌توان استنباط کرد که قد شما شاخص خوبی برای هوش شما نیست. درحالی‌که این اندازه‌گیری یا آزمون پایایی بالایی دارد، اما از اعتبار پایینی برخوردار است و بنابراین برای ارزیابی هوش مفید نیست.



شکل ۱: مقایسه اصطلاحات ارزیابی روان‌شناختی، اندازه‌گیری روان‌شناختی و آزمون روان‌شناختی

1. Evaluation  
2. Reliability  
3. Validity

# فصل اول

## مروری بر کلیات و مفاهیم آزمون‌های روانی

### مقدمه

همان‌طور که آناستازی و اوربینا (۱۹۹۷) اشاره می‌کنند، ریشه‌های واقعی اجرای آزمون در دوران باستان (عهد عتیق) گم‌شده‌اند. با این حال، اگر این دوران را کنار بگذاریم، اولین استفاده مستند از آزمون‌ها معمولاً به چینی‌ها نسبت داده می‌شود زمانی که مقامات دولتی را برای اطمینان از صلاحیت و شایستگی تصدی مناصب مورد آزمون قرار می‌دادند. برنامه اجرای آزمون‌ها توسط چینی‌ها در طول قرن‌ها تکامل یافته و اشکال مختلفی به خود گرفته است. به عنوان مثال، در زمان سلسله هان<sup>۱</sup>، امتحانات کتبی برای اولین بار گنجانده شد و شامل پنج حوزه عمده بود: کشاورزی، قانون مدنی، جغرافیا، امور نظامی و درآمد مالیاتی. در طول قرن چهارم، این برنامه شامل سه مرحله دشوار بود که از آزمون‌شونده‌ها می‌خواستند روزها را در اتاقک‌های کوچک به تألیف مقاله و نوشتن شعر بگذرانند.

### کاربرد آزمون‌ها در قرن هجدهم و نوزدهم

کارل فریدریش گاوس (۱۸۵۵-۱۷۷۷) یک ریاضیدان مشهور آلمانی بود که در نجوم و مطالعه نیروی جاذبه نیز سهم مهمی داشت. در جریان رصد کردن حرکات ستارگان، او متوجه شد که همکارانش اغلب مکان‌های نسبتاً متفاوتی را مطرح می‌کنند. او فروانی مکان‌های مشاهده‌شده در رصد شدن ستارگان را به‌طور منظم ترسیم کرد و متوجه شد که مشاهدات شکل منحنی به خود می‌گیرند - منحنی که ما به‌عنوان منحنی نرمال یا توزیع نرمال می‌شناسیم (همچنین به‌عنوان منحنی گاوس شناخته می‌شود). و تعیین کرد که بهترین برآورد از محل دقیق ستاره میانگین رصدها بود و این که هر مشاهده مستقل، دارای درجه‌ای از خطا بود. اگرچه گاوس معمولاً به‌عنوان پیشگام در بحث آزمون‌ها به حساب نمی‌آید، اما اعتقاد بر آن است که شناسایی قاعده‌مند وی از خطای اندازه‌گیری و ویژگی‌های توزیع نرمال برای وی این رسمیت پیشگام بودن را به ارمغان آورد.

### امتحانات خدمات دولتی

آزمون‌های خدمات دولتی مشابه آزمون‌هایی بودند که در چین برای انتخاب کارمندان دولت استفاده می‌شد. آن‌ها در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کشورهای اروپایی عرضه شدند. از جمله عرضه شدن امتحانات خدمات دولتی توسط کمپانی بازرگانی هند شرقی در سال ۱۸۲۹. در سال ۱۸۸۳، گروه خدمات دولتی ایالات متحده شروع به استفاده از آزمون‌هایی مشابه با آزمون‌های پیشرفت<sup>۲</sup> برای کمک به انتخاب کارمندان دولت کرد.

1. Han  
2. achievement tests

## پزشکان و روان‌پزشکان

در قرن نوزدهم، پزشکان و روان‌پزشکان در انگلستان و ایالات متحده نظام‌های طبقه‌بندی را برای کمک به طبقه‌بندی افراد دارای ناتوانی ذهنی (که قبلاً به‌عنوان عقب‌ماندگی ذهنی شناخته می‌شدند) و سایر اختلالات روانی به وجود آوردند. به‌عنوان مثال، در دهه ۱۸۳۰، پزشک فرانسوی ژان اسکیرول یکی از اولین کسانی بود که بین روان‌پریشی (یعنی اختلالات هیجانی) از نقص ذهنی (یعنی نقایص ذهنی از بدو تولد) تمایز قائل شد. او همچنین معتقد بود که ناتوانی‌های ذهنی در یک پیوستار از خفیف تا عمیق وجود دارند و مشاهده کرد که مهارت‌های زبانی مطمئن‌ترین راه برای شناسایی درجه آن است. در دهه ۱۸۹۰، امیل کریپلین و دیگران استفاده از آزمون‌های تداعی آزاد را در ارزیابی بیماران روان‌پزشکی ترویج کردند. آزمون‌های تداعی آزاد شامل ارائه کلمات محرکی است که پاسخ‌دهنده با اولین کلمه‌ای که به ذهنش می‌آید به آن‌ها پاسخ می‌دهد. بعدها، زیگموند فروید به‌منظور شناسایی افکار و هیجان‌های زیربنایی، فن تشویق بیماران را برای بیان آزادانه هر نوع فکری که به ذهنشان خطور می‌کرد، بسط داد.

## دوره تجهیزات برنجی

روانشناسان تجربی اولیه مانند ویلهلم وونت، سر فرانسیس گالتون، جیمز مک‌کین کتل و کلارک ویسلر سهم قابل‌توجهی در شکل‌گیری آزمون‌های سنجش توانایی شناختی داشتند. یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره حرکت به سمت اندازه‌گیری توانایی‌های انسان با استفاده از روش‌های عینی بود که به‌راحتی قابل تکرار بود. این پیشگامان اولیه از ابزارهای مختلفی که اغلب از برنج ساخته شده بودند برای اندازه‌گیری فرآیندهای حسی و حرکتی ساده بر اساس این فرض که آن‌ها معیارهایی از هوش عمومی هستند، استفاده می‌کردند. تأثیر برخی از این روانشناسان اولیه به حدی اساسی است که یادآوری خدمات آنان لازم است.

## سر فرانسیس گالتون

سر فرانسیس گالتون را اغلب پدر آزمون‌های روانی و سنجش می‌دانند. یکی از دستاوردهای مهم او تأسیس یک آزمایشگاه آنتروپومتریک (تن‌سنجی) در نمایشگاه بین‌المللی بهداشت لندن در سال ۱۸۸۴ بود. این آزمایشگاه بعداً به موزه‌ای منتقل شد و چندین سال در آنجا فعالیت کرد. در طول این مدت، داده‌هایی از جمله اندازه‌گیری‌های بدنی (مانند قد، وزن، دور سر)، حسی (مثلاً زمان واکنش، افتراق حسی) و اندازه‌گیری‌های حرکتی (مانند سرعت حرکت، قدرت پنجه) روی بیش از ۱۷۰۰۰ نفر جمع‌آوری شد. این اندازه‌گیری، اولین مجموعه نظام‌مند در مقیاس بزرگ از داده‌ها در مورد تفاوت‌های فردی را نمایندگی می‌کرد. یکی دیگر از دستاوردهای قابل‌توجه او پیشنهاد ایده «روان‌سنجی» بود که او آن را به‌عنوان «هنر تحمیل اندازه‌گیری و اعداد بر عملکردهای ذهن» تعریف کرد. این حوزه مطالعاتی که اکنون به‌عنوان «روان‌سنجی» شناخته می‌شود مبنایی برای تدوین و تفسیر آزمون‌های روان‌شناختی است.

## جیمز مک‌کین کتل

جیمز مک‌کین کتل با اعتقاد گالتون مبنی بر این که می‌توان از آزمون‌های حسی و حرکتی نسبتاً ساده برای اندازه‌گیری توانایی‌های ذهنی استفاده کرد، هم‌نظر بود. اگرچه پژوهش‌های بعدی نشان داد که این باور بسیار ساده‌انگارانه است، کتل در تأسیس آزمایشگاه‌های روانشناسی و گسترش جنبش رو به رشد کاربست آزمون‌ها در ایالات متحده نقش داشت. تصور می‌شود که او اولین کسی است که در مقاله‌ای که در سال



۱۸۹۰ منتشر نمود، از اصطلاح «آزمون روانی» استفاده کرد. علاوه بر آن چه که به‌طور شخصی به حرفه‌اش ارزانی داشت، کتل شاگردانی تربیت کردند که به شکل نوآورانه‌ای به مشاغل روان‌شناسی ادامه دادند، من جمله ادوارد لی ثراندایک، رابرت سشنز وودورث و ادوارد کلوگ استرانگ. کتل و گالتون در تدوین مراحل اجرای آزمون‌ها از جمله هنجاریابی پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های درجه‌بندی که بعدها به فنون رایج در ارزیابی شخصیت تبدیل شدند، کمک کردند.

## کلارک ویسلر

کلارک ویسلر یکی از شاگردان کتل بود که تحقیقاتش تا حد زیادی کار معلم معروفش را بی‌اعتبار کرد. ویسلر دریافت که اندازه‌گیری‌های حسی-حرکتی رایجی که برای ارزیابی هوش استفاده می‌شود اساساً هیچ ارتباطی با پیشرفت تحصیلی ندارد. او همچنین دریافت که آزمون‌های حسی-حرکتی تنها همبستگی ضعیفی با یکدیگر دارند. این یافته‌های مایوس‌کننده در اصل به استفاده از اندازه‌گیری‌های ساده حسی-حرکتی هوش پایان دادند و زمینه را برای یک رویکرد جدید برای اندازه‌گیری‌های هوشی فراهم کرد که بر فرآیندهای ذهنی سطح بالای پیچیده‌تر تأکید داشت. جالب اینجاست که، اشکالات روش شناختی قابل توجهی در پژوهش ویسلر وجود داشت که او را از تشخیص همبستگی‌های متوسطی که در واقع بین برخی از آزمون‌های حسی-حرکتی و هوش وجود دارد، بازداشت. با این وجود، دهه‌ها طول می‌کشید تا پژوهشگران متوجه شوند که ما ممکن است اهمیت اندازه‌گیری‌های روان‌تنی را در بررسی هوش رد کرده باشیم، و زمینه را برای رویکرد آلفرد بینه برای سنجش هوش با تأکید بر توانایی‌های ذهنی سطح بالاتر فراهم شد.

## کاربرد آزمون‌ها در قرن بیستم

### آلفرد بینه

آلفرد بینه در ابتدا اندازه‌گیری‌های حسی-حرکتی مانند زمان واکنش و دقت حسی را آزمایش کرد، اما از آن‌ها دلسرد شد و یک پیشگام استفاده از سنجش‌های فرآیندهای شناختی سطح بالاتر برای ارزیابی هوش بود. در اوایل دهه ۱۹۰۰، دولت فرانسه آلفرد بینه و همکارش تئودور سیمون را مأمور کرد که آزمونی برای پیش‌بینی عملکرد تحصیلی طراحی کنند. نتیجه تلاش آن‌ها اولین مقیاس بینه-سیمون بود که در سال ۱۹۰۵ منتشر شد. این مقیاس شامل برخی آزمون‌های حسی-ادراکی بود، اما تأکید بر مواد کلامی بود که درک، استدلال، قضاوت و حافظه کوتاه‌مدت را ارزیابی می‌کردند. بینه و سیمون به هدف خود رسیدند و آزمونی ساختند که پیش‌بینی‌کننده مناسبی از موفقیت تحصیلی بود. فرم‌های تجدیدنظر شده بعدی مقیاس بینه-سیمون در سال‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ منتشر شد. این مقیاس‌ها در فرانسه مقبولیت گسترده‌ای پیدا کردند و به‌زودی در ایالات متحده ترجمه و استاندارد شدند که موفق‌ترین آن‌ها توسط لوئیس ترمن در دانشگاه استنفورد بود. این وضعیت اخیر منجر به طراحی مقیاس هوش استنفورد-بینه شد که بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفته است به‌طوری‌که نسخه پنجم مقیاس هوش استنفورد-بینه (SB5)، امروزه همچنان در حال استفاده است. جالب اینجا است که، نسخه ترمن از مقیاس بینه-سیمون در فرانسه و سایر نقاط اروپا حتی از مقیاس بینه-سیمون محبوب‌تر شد!

### آزمون‌های آلفا و بتا ارتش

کاربرد آزمون‌های هوش بار دیگر در جریان جنگ جهانی اول در ایالات متحده آمریکا رونق گرفت. ارتش ایالات متحده به شیوه‌ای برای ارزیابی و طبقه‌بندی افراد مناسب برای استخدام و گماشتن آن‌ها برای مشاغل در ارتش نیاز داشت. انجمن روانشناسی آمریکا (APA) و یکی از روسای قبلی آن، رابرت ام. یرکس، یک کارگروه ایجاد کرد که مجموعه‌ای از آزمون‌های استعداد را ابداع طراحی کنند که به‌عنوان آلفای

ارتش و بتا ارتش شناخته شدند - یکی کلامی (آلفا) و دیگری غیرکلامی برای بی‌سوادان (بتا). از طریق تلاش‌های یرکس و همکارانش و ارتش در غربالگری افراد استخدام‌شده، میلیون‌ها آمریکایی به معنای واقعی کلمه با مفهوم آزمون هوش آشنا شدند. دلیل آن این بود که بیشتر آزمون‌های هوش تا آن زمان به صورت انفرادی انجام می‌شدند، مانند مقیاس بینه، اما آزمون‌های آلفا و بتا ارتش نیز آزمون هوش گروهی را معرفی و رایج کردند.

## رابرت وودورث

در سال ۱۹۱۸، رابرت وودورث برگه اطلاعات شخصی وودورث را طراحی نمودند که به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان اولین آزمون رسمی شخصیت شناخته می‌شود. برگه اطلاعات شخصی برای کمک به جمع‌آوری اطلاعات شخصی در مورد سربازان بدو خدمت وارد طراحی شده است. همان‌طور که شکل‌گیری مقیاس‌های بینه عصر آزمون‌های هوش را آغاز کرد، معرفی برگه اطلاعات شخصی وودورث عصر ارزیابی شخصیت را آغاز کرد.

## آزمون لکه‌های جوهر رورشاخ

هرمان رورشاخ لکه‌های جوهر رورشاخ را در دهه ۱۹۲۰ طراحی کردند. درحالی‌که جدل و بحث‌های قابل‌توجهی در مورد خصوصیات روان‌سنجی رورشاخ (و سایر فنون فرافکن) وجود داشته است. همچنان یکی از محبوب‌ترین فنون ارزیابی شخصیت در آغاز قرن بیست و یکم است.

## آزمون‌های پذیرش دانشگاه‌ها

شورای امتحانات ورود به دانشگاه (CEEB) در ابتدا برای ارائه یک سنجش عینی و معتبر از توانایی‌های تحصیلی دانشجویان و اجتناب از خویشاوند پذیری و توجه به شایستگی‌های تحصیلی، به دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها تشکیل شد تلاش‌های این شورا منجر به شکل‌گیری اولین آزمون استعداد تحصیلی (SAT) در سال ۱۹۲۶ شد. برنامه آزمون ورود به دانشگاه‌های آمریکا (ACT) در سال ۱۹۵۹ به‌عنوان رقیب اصلی آزمون استعداد تحصیلی (SAT) آغاز شد. قبل از ظهور این آزمون‌ها، تصمیم‌گیری برای پذیرش در دانشگاه‌ها بسیار ذهنی بود و به‌شدت تحت تأثیر پیشینه و موقعیت خانوادگی داوطلبین ورود به دانشگاه‌ها بود، بنابراین هدف دیگری برای طراحی این ابزارها، عینی‌تر کردن فرآیند انتخاب بود.

## مقیاس‌های هوش وکسلر

آزمون‌های هوش در دهه ۱۹۳۰ ترقی دیگری را تجربه کرد، و آن زمانی بود که دیوید وکسلر یک آزمون هوش برای بزرگسالان ساخت که شامل سنجش‌های توانایی کلامی و غیرکلامی در یک آزمون بود. قبل از وکسلر و آزمون وکسلر-بلویو نسخه اول، آزمون‌های هوش معمولاً هوش کلامی یا غیرکلامی را ارزیابی می‌کردند، نه هر دو را. جدیدترین مقیاس‌های وکسلر امروزه به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند!

## پرسشنامه شخصیت چندوجهی مینه سوتا

پرسشنامه شخصیت چندوجهی مینه سوتا (MMPI) در اوایل دهه ۱۹۴۰ برای کمک به تشخیص اختلالات روان‌پزشکی منتشر شد. این ابزار، یک آزمون شخصیت عینی است (یعنی می‌توان به روشی عینی آن را نمره‌گذاری کرد) و موضوع پژوهش‌های زیادی بوده است. نسخه دوم

آن، MMPI-2 همچنان یکی از مقبول‌ترین (اگر نه مقبول‌ترین) ارزیابی‌های شخصیتی است که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد!

## کاربرد آزمون‌ها در قرن بیست و یکم

در ۶۰ سال گذشته شاهد یک رشد سریع از نظر طراحی آزمون‌ها و استفاده از آزمون‌های روانشناسی و آموزشی بوده‌ایم. به‌عنوان مثال، یک جستجوی اخیر در کتاب سال اندازه‌گیری ذهنی<sup>۱</sup>، که حاوی اطلاعاتی از آزمون‌های روان‌شناختی به زبان انگلیسی است، به شناسایی بیش از ۶۰۰ آزمون در طبقه آزمون‌های شخصیت و بیش از ۴۰۰ آزمون در طبقه آزمون‌های هوش و استعداد شد. بسیاری از فصل‌های این کتاب درسی به نحوه طراحی و استفاده از انواع مختلف آزمون‌ها اختصاص دارد. در جدول ۱-۱ به‌طور مختصر سیر زمانی ظهور و استفاده از آزمون‌ها آمده است:

جدول ۱-۱. نقاط عطف در تاریخچه آزمون‌های روان‌شناختی

• چینی‌ها از کارکنان دولتی آزمون گرفتند.	حدود ۲۲۰۰ قبل از میلاد
• کارل فریدریش گاوس منحنی توزیع نرمال را هنگام ارزیابی خطای اندازه‌گیری کشف می‌کند.	قرن هجدهم و نوزدهم
• از آزمون‌های خدمات دولتی در اروپا و ایالات متحده استفاده می‌شود.	
• پزشکان و روان‌پزشکان بیماران روانی را با فنون جدید ارزیابی می‌کنند.	
• عصر ابزارهای برنجی - بر اندازه‌گیری توانایی‌های حسی و حرکتی تأکید می‌شود.	
• توجه اولیه به پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های درجه‌بندی توسط گالتون و کتل معطوف می‌شود.	
• آزمون هوش توسط بینه و سیمون منتشر می‌شود - آغاز دوران اندازه‌گیری با آزمون هوش	۱۹۰۵
• آزمون‌های آلفا و بتا ارتش به‌عنوان اولین آزمون‌های گروهی هوش منتشر می‌شوند.	۱۹۱۷
• برگه اطلاعات شخصی توسط وودورث منتشر می‌شود - آغاز دوران ارزیابی شخصیت.	۱۹۱۸
• آزمون استعداد تحصیلی (SAT) و آزمون لکه جوهر رورشاخ طراحی می‌شوند - آزمون‌ها نفوذ خود را افزایش می‌دهد	دهه ۱۹۲۰
• دیوید وکسلر، I Wechsler-Bellevue را منتشر کرد - ارائه مجموعه‌ای از آزمون‌های هوش تأثیرگذار آغاز می‌شود.	دهه ۱۹۳۰
• پرسشنامه شخصیت چندوجهی مینه سوتا منتشر شد. تقدیر بر این بود که به پرسشنامه برجسته سنجش عینی شخصیت تبدیل شود	دهه ۱۹۴۰

از یک‌سو، فقدان یک منبع درسی منسجم که بتواند در مقطع کارشناسی ارشد، رشته مشاوره گرایش مدرسه و یکی از عناوین این رشته را با عنوان «سنجش در مشاوره مدرسه» را پوشش دهد و از سوی دیگر با عنایت به نیاز پژوهشی متخصصان علوم رفتاری و تربیتی به ابزارهای که اعتباریابی شده‌اند، در کتاب حاضر سعی شده است که آزمون‌های کاربردی در حوزه تعلیم و تربیت، مشاوره و روانشناسی مدرسه با تأکید بر پرسشنامه‌های سنجش متغیرهای تحصیلی، جهت غربالگری مناسب دانش‌آموزان و سنجش برخی از خصوصیات روان‌شناختی معلمان ارائه شود.

## فصل دوم

### معرفی آزمون‌های پر کاربرد در تعلیم و تربیت و مشاوره مدرسه

## احساس تعلق به مدرسه

### مقدمه

یکی از مسائلی که امروزه دانش‌آموزان و عملکرد آنان را تحت شعاع قرار داده است، احساس تعلق به مدرسه است (ون، ولترز و مولر، ۲۰۱۸). احساس تعلق در درجه نخست به معنای متمایز بودن، ثابت ماندن، تداوم داشتن و به جمع تعلق داشتن است؛ به عبارت روشن‌تر انسان‌ها با احساس تعلق به گروه، جایگاه و آرامش لازم را برای زندگی کسب می‌کنند (شفایی و کلانتری، ۲۰۱۶).

این سازه روانشناسی تربیتی، نمایانگر یک حالت روانشناختی از بازتاب حس دانش‌آموز نسبت به مدرسه خود است و در آن دانش‌آموز تصور می‌کند تا چه حد و چگونه در محیط اجتماعی مدرسه مورد حمایت، پذیرش و احترام است (وایتینگ، هیئتون و جنسن، ۲۰۲۲). در پژوهش گزارش شده توسط آلن، واترز، ارسلان و پرنیس (۲۰۲۲)، اشاره شده است که دانش‌آموزانی که نمرات بالایی در مقیاس‌های احساس تعلق به مدرسه کسب می‌کنند، شادتر، از نظر تحصیلی سخت‌کوش‌ترند و میزان پایین تری از غیبت در کلاس درس و تخلفات در مدرسه دارند.

### معرفی آزمون

پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه: این پرسشنامه توسط بری، بتی و وات (۲۰۰۴) به منظور سنجش احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان طراحی و تدوین شده است و در ایران توسط مکیان و کلانتری کوشه (۱۳۹۴) اعتباریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۷ سؤال و شش مؤلفه حمایت معلم، مشارکت در اجتماع، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه، احساس مثبت به مدرسه، تعلق فرد به مدرسه و مشارکت علمی است.

#### خرده مقیاس‌ها و شماره گویه‌های پرسشنامه

خرده مقیاس	شماره گویه
حمایت معلم	۴۵،۳۳،۳۱،۲۸،۲۵،۱۷،۱۱،۸،۵
مشارکت در اجتماع	۳۸،۳۴،۳۲،۲۲
احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه	۲۳،۷،۶،۱
احساس مثبت نسبت به مدرسه	۴۳،۴۰،۲۹،۱۸
تعلق فرد به مدرسه	۳۹،۳۷،۳۰
مشارکت علمی	۲۶،۱۲،۱۰

## شیوه نمره‌گذاری

پاسخ‌دهندگان پرسشنامه (دانش‌آموزان) در یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای احساس تعلق خود به مدرسه را به صورت «کاملاً موافقم=۴»، «موافقم=۳»، «مخالقم=۲» و «کاملاً مخالفم=۱» بیان می‌کنند. دامنه نمرات بین ۲۷ تا ۱۰۸ است.

## ویژگی‌های روان‌سنجی

ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ و برای مؤلفه‌های احساس تعلق به همسالان ۰/۷۳، حمایت معلم ۰/۸۹، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه ۰/۷۵، مشارکت در اجتماع ۰/۸۴، تعلق فرد به مدرسه ۰/۶۹ و مشارکت علمی ۰/۷۸ گزارش شده است (بری، بتی و وات، ۲۰۰۵). در ایران پایایی پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمده است (مکیان و کلانتر کوشه، ۱۳۹۴).

### پرسشنامهٔ احساس تعلق به مدرسه

ردیف	گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	احساس می‌کنم جزئی از این مدرسه هستم.				
۲	بزرگ‌ترها در مدرسه، جامعه و محله با کوچک‌ترها با احترام رفتار می‌کنند.				
۳	در مدرسه وقتی که کار خوبی انجام می‌دهم، مورد توجه اطرافیان قرار می‌گیرم.				
۴	تعلق میان موضوعات درسی‌ای که می‌خوانم را متوجه می‌شوم.				
۵	در هنگام نفهمیدن درس به راحتی از معلم سؤال می‌پرسم.				
۶	من به مدرسه‌ام اهمیت می‌دهم.				
۷	مطمئنم که معلمان مرا در یادگیری حمایت خواهند کرد.				
۸	تکالیفم را به طور کامل انجام می‌دهم.				
۹	وقتی مشکلی دارم معلمان به من گوش می‌دهند.				
۱۰	ای کاش در مدرسه دیگری بودم.				
۱۱	همه تلاشم را برای مشارکت در کارهای گروهی می‌کنم.				
۱۲	در این مدرسه می‌توانم خودم باشم.				
۱۳	بیشتر معلمان به من کمک می‌کنند تعلق میان موضوعات درسی را درک کنم.				
۱۴	به یادگیری بچه‌های دیگر کمک می‌کنم.				
۱۵	معلمان با من با احترام برخورد می‌کنند.				
۱۶	این مدرسه موقعیت‌های یادگیری ایجاد می‌کند که برای من جلب توجه می‌کند				
۱۷	قوانین این مدرسه باید سخت‌گیرانه‌تر باشند.				
۱۸	معلمان تمایل دارند با والدین (سرپرستان) همکاری کنند.				
۱۹	برای من همکاری مثبت با مدرسه در اولویت قرار دارد.				
۲۰	در هنگام انجام فعالیت‌های کلاسی، معلمان در صورت لزوم به من کمک می‌کنند.				
۲۱	در جامعه و محله‌ام برای انجام کارها داوطلب هستم.				
۲۲	مطمئن هستم که معاونان مدرسه با روی باز به مشکلات من گوش می‌دهند.				
۲۳	من به صورت مفیدی در جامعه و محله‌ام مشارکت دارم.				
۲۴	در این مدرسه انتظاراتی را که از من دارند درک می‌کنم.				
۲۵	قوانین این مدرسه همیشه و همواره اجرا می‌شوند.				
۲۶	مدرسه‌ام مرا برای دنیای شغلی آینده‌ام به خوبی آماده می‌کند.				
۲۷	از من برای شرکت در دوره‌های آموزشی پیشرفته استقبال می‌شود.				

## احساس تنهایی

### مقدمه

تنهایی پدیده‌ای است که انسان‌ها کم‌وبیش آن را در زندگی خود تجربه می‌کنند. به بیان دیگر بسیاری از افراد در فرهنگ‌ها، نژادها، طبقات اجتماعی و در سنین و زمان‌های مختلف هر یک به نوعی تنهایی را تجربه می‌کنند (برگونو، لروکز، مک آینیش و شیخ، ۲۰۰۶). تنهایی حالتی ناخوشایند است که از تفاوت در روابط بین فردی که افراد خواهان آن هستند و روابطی که با دیگران در شرایط واقعی دارند، نشأت می‌گیرد. این احساس به این دلیل اهمیت دارد که هم با حالات هیجانی افراد و هم با فقر اجتماعی و هم با رفتار اجتماعی و سلامتی در افراد بالغ، نوجوان و کودک همبسته است (کووتر، برون، رونبرگ، ون هالست، هریس و همکاران، ۲۰۱۳).

تنهایی در کودکان، نشان‌دهنده نارسایی و ضعف ارتباط‌های بین فردی با همسالان است که به نارضایتی از روابط اجتماعی با دیگر کودکان منجر می‌شود (دان، دان و بیدوزا، ۲۰۰۷). احساس تنهایی زمانی به وجود می‌آید که تماس و رابطه فرد با دیگران کاذب باشد، به نحوی که تجربه عاطفی مشترکی برای این رابطه دوجانبه فرد با دیگران متصور نباشد و انسان در فرایند تماس با دیگران، ارتباط حقیقی و صمیمانه نداشته باشد (ون هالست، کالی مستر، لواکس، اسکولت، انگلس و همکاران، ۲۰۱۲). از میان اقشار مختلف، تجربه احساس تنهایی در کودکی ممکن است پیامدهای مختلفی داشته باشد. در درجه اول احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست که به تجربه نارضایتی از روابط اجتماعی منجر می‌شود (پونزتی و هوپ مه‌یر، ۱۹۹۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مشکلات هیجانی و روان‌شناختی بسیاری در کودکان و نوجوانان دارای احساس تنهایی مشاهده می‌شود.

تجربه تحت فشار بودن و اضطراب، رفتارهای پرخطر مانند سیگار کشیدن و مصرف مواد مخدر (پیچ، ۱۹۹۰)، گریز از مدرسه، افسردگی و اعتیاد به الکل (اشر و پاکت، ۲۰۰۳)، کمرویی و ابراز وجود پایین (پونزتی و هوپ مه‌یر، ۱۹۹۹) و سطوح پایین خودکارآمدی، اطمینان به خود و عزت نفس (گالانکی و عزیزی، ۱۹۹۹) مواردی از این دست هستند. دیگر پژوهشگران بر این عقیده‌اند که عوامل بسیاری در ایجاد احساس تنهایی در کودکان دخالت دارند. این عوامل را می‌توان به دودسته عوامل درونی و بیرونی مدرسه تقسیم کرد. برخی از عوامل خارج از محیط مدرسه شامل مشکلات خانوادگی، انتقال به مدرسه جدید، از دست دادن یکی از والدین یا یک موضوع عشقی است و از عوامل مربوط به محیط درونی مدرسه نیز می‌توان به طرد شدن از سوی همسالان به دلیل مهارت‌های ضعیف اجتماعی و دوست‌یابی اشاره کرد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند کمرویی، اضطراب و پایین بودن عزت نفس نیز ممکن است احساس تنهایی کودکان را در پی داشته باشد (کوچندرفر و لاد، ۱۹۹۹).

### معرفی آزمون

مقیاس احساس تنهایی (LQ): برای سنجش احساس تنهایی از پرسشنامه‌ای که آشر و ویلر (۱۹۸۵) معرفی کرده‌اند استفاده شده است که برای سنجش احساس تنهایی در اواخر دوران کودکی و پیش از نوجوانی ارائه شده و دارای ۲۴ سؤال است. لازم به ذکر است که در بررسی ساختار عاملی تأییدی مقیاس احساس تنهایی، ۸ سؤال (۲، ۵، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۹ و ۲۳) به منظور افزایش سطح شاخص‌های برازش از ۲۴ سؤال حذف و در نهایت ۱۶ سؤال برای نسخه فارسی نهایی در نظر گرفته شده است (آزادفارسانی، پارسایی، دارابی، الوندی، ۱۳۹۲).